

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۲ مارچ ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت.

جشنی که به تظاهرات سیاسی تبدیل شد

سران جمهوری اسلامی در اضطراب و وحشت دائمی به سر می‌برند. احساس می‌کنند که اوضاع داخلی و بین‌المللی، از جمیع جهات علیه آن‌هاست. شدیداً نگران از دست رفتن قدرت هستند. برای مقابله با مردمی که به نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخاسته‌اند، بیش از پیش به نیروهای مسلح و سرکوب خود امید بسته‌اند. بر این پندارند که با لشکرکشی‌های روزمره در خیابان‌ها می‌توانند موج نارضایتی و اعتراض را مهار کنند. اما پایانی بر این مبارزات نیست. اکنون دیگر هر حادثه و هر روزی می‌تواند محملی برای برپایی تظاهرات و سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی باشد. از نخستین روزهای این هفته، واحدهای ضد شورش، پولیس، بسیج، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، خلاصه کلام، تمام مزدوران رژیم در آماده‌باش بودند تا خود را برای مقابله با اعتراضات و تظاهرات مردم ایران در چهارشنبه سوری سازماندهی کنند.

به روال هفته‌های گذشته، نخست، سران ارگان‌ها و نهادهای سرکوب حکومت، تهدیدهای همیشگی خود را تکرار کردند. جانشین فرمانده پولیس جمهوری اسلامی اعلام کرد:

"پولیس با افرادی که اقدام به اخلاف در نظم و امنیت عمومی کنند، قاطعانه برخورد می‌کند." دادستان عمومی تهران دستور داد که پولیس قاطعانه با "کسانی که در چهارشنبه آخر سال نسبت به تخریب اموال عمومی و اخلاف در نظم عمومی" اقدام کنند، برخورد کند و آن‌ها را به مراجع قضائی معرفی نماید. رؤسای دادگستری‌ها و پولیس در استان‌های مختلف کشور از جمله خراسان، کرمانشاه، اردبیل، تهدیدهای مشابهی داشتند.

فرمانده پولیس خراسان رضوی، حتا از آمادگی بیش از ده هزار پولیس برای برقراری امنیت خبر داد. عصر روز سه‌شنبه ده‌ها هزار تن از مزدوران حکومت به خیابان‌ها ریختند، مغازه‌ها را از ساعت ۵ تعطیل کردند، رفت و آمد موتورسیکلت‌ها را ممنوع اعلام نمودند و حتا بوق زدن اتومبیل‌ها را جرم اعلام کردند، تا به خیال خود، اوضاع را پیشاپیش تحت کنترل درآورده باشند.

اما تمام تهدیدات و اقدامات پیشگیرانهٔ مزدوران سرکوب نمی‌توانست مانع از تبدیل شدن جشن چهارشنبه‌سوری به یک تظاهرات سیاسی علیه رژیم گردد.

ملیون‌ها تن از مردم ایران در سراسر کشور، جشن چهارشنبه‌سوری را با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر جمهوری اسلامی آغاز کردند. در تهران، تقریباً در تمام خیابان‌ها و محلات، به همراه پرتاب ترقه و نارنجک و روشن کردن آتش، علیه رژیم و سران آن شعار سر داده می‌شد. نیروهای سرکوب در مناطق مختلف با یورش به سوی تجمع‌کنندگان کوشیدند مردم را متفرق سازند، اما نه تنها موفق نشدند، بلکه در موارد متعدد، مردم با پرتاب نارنجک به ویژه با استفاده از تاریکی شب، از پشت‌بام‌ها، آن‌ها را ناکام گذاشتند. در استان‌ها و شهرهای دیگر نیز از جمله در رشت، کرمانشاه، مشهد، اصفهان، کرج، اهواز، آبادان، بوشهر نیز مراسم چهارشنبه‌سوری به تظاهرات سیاسی تبدیل گردید.

در جریان درگیری‌های میان مردم و نیروهای سرکوب رژیم، صدها تن در سراسر ایران بازداشت شدند. در حالی که معاون عملیات تهران بزرگ، اعلام کرد که تنها در تهران بزرگ ۴۶۷ نفر دستگیر شده‌اند، جانشین فرمانده کل پولیس جمهوری اسلامی، ادعا کرد که "فقط چند نفر که رفتار مخاطره‌آمیز داشتند توسط پولیس دستگیر شده‌اند." وزیر اطلاعات رسوای جمهوری اسلامی هم ادعا کرد: "بحمدالله استقبال نشد و اتفاق خاصی نیفتاد." اگر استقبال نشد و اتفاق خاصی نیفتاد، چه ضرورتی داشت که وزیر اطلاعات بر سر این مسأله مصاحبهٔ مطبوعاتی ترتیب دهد. اتفاق تا آن حد مهم بود که خامنه‌ای هم فریاد اعتراض مردم را با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، مبارک، بن علی، نوبت سید علی را در پستوی خانه‌اش شنید. شاید منظور وزیر اطلاعات، از اتفاق خاص، این باشد که مردم هنوز به مراکز نظامی و سرکوب رژیم یورش نبرده‌اند تا یک‌سره بساط آن را جمع کنند! وزیر اطلاعات مطمئن باشد که وقت آن هم فرا خواهد رسید. آن‌چه که اکنون رخ می‌دهد، تدارک مقدماتی و آمادگی برای نبرد بزرگ است. مبارزات کنونی مردم ایران فقط یک رشته جنگ‌های چریکی هستند که در تداوم و رشد خود به قیام مسلحانه و برچیدن تمام دم و دستگاه جمهوری اسلامی خواهد انجامید.

وقتی که رژیم با گسیل گله‌وار نیروهای مسلح و سرکوب خود، نتوانسته و نمی‌تواند مبارزات چریکی مردم را در این مرحله کنترل کند، پر واضح است که وقتی ملیون‌ها تن از مردم، به نبردی جبهه‌ئی در سراسر ایران برخیزند، جمهوری اسلامی با تمام نیروی نظامی و سرکوبش نیست و نابود خواهد شد. هیچ قدرتی قادر نیست در برابر توده‌های ملیونی مردمی که به نبردی قطعی برای رهائی خود از جنگ ستمگران برمی‌خیزند، مقاومت کند. در برابر این مردم، سرنوشت محتوم جمهوری اسلامی شکست و نابودی‌ست. پیروزی، از آن توده‌های مردم ایران خواهد بود.

دستمزد کارگران نه افزایش، بلکه کاهش یافت

دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی، همواره واقعیت‌ها را تحریف و وارونه جلوه می‌دهد. مردم ایران، این شیوهٔ وارونه‌سازی حقایق را توسط رژیم به خوبی می‌شناسند و از آن تحت عنوان دروغ‌پردازی حکومت نام می‌برند. گرچه این تحریفات و دروغ‌پردازی‌های رژیم در عرصهٔ سیاسی خود را به وضوح نشان داده است، اما محدود به این عرصه نیست، بلکه تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را فرا می‌گیرد.

در این هفته، رسانه‌های متعدد رژیم خبر دادند که شورای عالی، تصمیم گرفت حداقل دستمزد سال آینده کارگران را ۹ درصد افزایش دهد. کسی که نداند واقعیت مسأله چیست، تصور می‌کند که حداقل دستمزد کارگران در سال آینده

واقعاً ۹ درصد افزایش یافته است. اما این ظاهر فریب‌کارانه‌ایست که سرمایه‌داران و دولت پاسدار منافع آن‌ها به کاهش دستمزد واقعی کارگران داده‌اند. تمام شواهد و آمارهای موجود حاکی‌ست که در سال آینده قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره مردم جهش‌وار افزایش خواهد یافت و نرخ تورم، بسیار فراتر از سال جاری افزایش خواهد یافت. آخرین آماری که بانک مرکزی برای نرخ تورم در بهمن ماه انتشار داده است، ۶ / ۱۱ درصد است. منابع دیگر، نرخ تورم سال جاری را تا ۲۰ درصد ارزیابی می‌کنند. اما امسال هر چه باشد، سال آینده چه؟ معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی رئیس جمهوری ادعا می‌کند که این نرخ رشد تورم در سال آینده از ۱۵ درصد تجاوز نخواهد کرد. سران خانه کارگر وابسته به رژیم می‌گویند:

"پیش‌بینی می‌شود تورم سال آینده ۲۵ درصد باشد." اگر فرض را بر کمترین برآوردهای دولتی قرار دهیم که ۱۵ درصد باشد، در این حالت نیز دستمزد کارگران در سال آینده، در مقایسه با سال جاری ۶ درصد کاهش می‌یابد و نه ۹ درصد افزایش. بنابر این روشن است که حتا طبق ارقام و آمار دولتی در مورد نرخ تورم در سال آینده، دستمزد واقعی عموم کارگران کاهش می‌یابد و کاهش حداقل دستمزد ۶ درصد خواهد بود. دولت و سرمایه‌داران بیهوده می‌گویند که دستمزد کارگران در سال آینده افزایش می‌یابد، این واقعیت از هم اکنون روشن است که دستمزدها کاهش یافته است.

حالا مجسم کنید در حالی که نرخ تورم در سال آینده، حداقل ۱۵ درصد باشد، کارگرانی که حداقل دستمزدشان، در هر ماه ۳۳۰ هزار تومان است، با این دستمزد ناچیز چه باید بکنند؟ اجاره خانه بپردازند، هزینه گاز و برق و وسایل ایاب و ذهاب را بپردازند، لباس برای خود و فرزندان‌شان بخرند، یا نان بربری ۴۰۰ تومانی بخرند؟ وضعیت مادی و معیشتی کارگران، سال به سال وخیم‌تر می‌شود. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها دستمزدها را مدام کاهش می‌دهند. مدام سطح معیشت کارگران تنزل می‌یابد، اما بدبختانه کارگران نمی‌توانند جلو این اجحافات و زورگویی‌های دولت و سرمایه‌داران را بگیرند. چرا نمی‌توانند؟ به این علت که متشکل نیستند، تشکل سراسری ندارند و قادر نیستند به عنوان یک قدرت متشکل عمل کنند. اما چرا متشکل نیستند؟ به این علت که رژیم دیکتاتوری و اختناق حاکم بر ایران، هر تلاش کارگران را برای متشکل شدن در نطفه خفه و سرکوب می‌کند. پیشروان کارگری را دستگیر، اخراج و روانه زندان می‌کند. پس چه باید کرد؟ کارگران نمی‌توانند از شر فجایی که نظم موجود به بار آورده است نجات یابند. کارگران حتا نمی‌توانند سرمایه‌داران را وادار کنند که بهای واقعی فروش نیروی کارشان را بدهند که لااقل پائین‌تر از خط فقر نباشد. خط فقر، امروزه در ایران حدوداً ۵ / ۱ میلیون تومان در هر ماه تعیین شده است، اما سرمایه‌داران حداقل دستمزد کارگر را ۳۳۰ هزار تومان برای سال آینده معین کرده‌اند. راهی برای نجات کارگران باقی نمانده است، جز این که به انقلاب روی آورند و این نظم نکبت‌بار را دگرگون کنند. هر آنچه که این انقلاب به تأخیر افتد، وضعیت کارگران نه بهتر بلکه بدتر و وخیم‌تر خواهد شد.

کشتار در زندان قزل‌حصار

در این هفته، جمهوری اسلامی، یک جنایت فجیع و هولناک دیگر آفرید. زندانیان قزل‌حصار را به گلوله بست که در نتیجه این اقدام وحشیانه، ده‌ها تن کشته و زخمی شدند.

صبح روز چهارشنبه، خبرگزاری دولتی فارس به نقل از روابط عمومی سازمان زندان‌ها، گزارش کرد که تعدادی از زندانیان یکی از بخش‌های قزل‌حصار، با انجام خرابکاری در زندان، قصد فرار داشتند که با حضور مقتدرانه عوامل مسؤول، در اجرای نقشه خویش ناکام ماندند. این خبرگزاری افزود:

"در این حادثه که با ایجاد حریق عمدی توسط برخی از زندانیان و تخریب برخی تأسیسات و شکستن شیشه‌ها همراه بود، تعدادی از زندانیان به سمت زندانبانان حملهور شدند که با برخورد جدی و قاطع مأموران مواجه و نهایتاً بر اثر درگیری ایجاد شده تعداد کمی از آن‌ها مصدوم و مجروح شده و چند نفر هم بر اثر جراحت وارده و گازگرفتگی ناشی از دود و آتش جان باختند." این خبرگزاری از اعلام تعداد دقیق افرادی که کشته و مجروح و مصدوم شدند، خودداری کرد. ساختگی بودن خبر از همین واقعیت آشکار بود که مرگ و مصدوم شدن زندانیان را ناشی از گازگرفتگی در پی به اصطلاح "برخورد جدی و قاطع مأموران" اعلام می‌کرد. دیگر خبری هم در این مورد رسماً انتشار نیافت. اما فعالان حقوق بشر گزارش دقیق‌تری از آنچه که در این زندان رخ داد، انتشار دادند. طبق این گزارش، سه‌شنبه شب این هفته، زندانیان برخی بندهای زندان قزل حصار نظیر واحد ۲ و ۳ در راستای توقف اجرای حکم اعدام ده تن از هم‌پندیان خود دست به اعتراض زدند. حدود سه هزار زندانی در این اعتراضات شرکت داشتند. نیروهای امنیتی در ساعت ۹ شب به زندان هجوم آوردند. آن‌ها گلوله‌های واقعی به کار بردند که در نتیجه آن ۸۰ تن کشته یا دچار جراحت‌های سخت شده‌اند. این تعداد به بیش از ۱۵۰ تن نیز می‌رسد. از تعداد کشته شدگان آمار دقیقی انتشار نیافته، اما ۶ نفر قطعی اعلام شده است.

جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که این‌ها قاچاقچیان مواد مخدر بوده‌اند. هر که بوده‌اند و هر جرمی که داشته‌اند، ذره‌ای تغییر در ماهیت اقدام جنایت‌کارانه و وحشیانه جمهوری اسلامی نمی‌دهد. در سراسر جهان، این حق برای زندانی به رسمیت شناخته شده که نسبت به شرایطی که در آن به سر می‌برد، اعتراض کند و خواهان بهبود وضعیت زندان و مطالبات خود باشند. جمهوری اسلامی، اما برای عموم توده‌های مردم ایران حق و حقوقی قائل نیست تا چه رسد به زندانیان. این رژیم مردم را با کمترین اعتراض در خیابان‌ها به گلوله می‌بندد. کشتارهای فجیع از نمونه قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰ را در پرونده خود دارد. در هر هفته و هر ماه گروه، گروه مردم را اعدام می‌کند. جمهوری اسلامی، یک رژیم اسلامی‌ست. وحشی‌گری، بی‌رحمی و کشتار در ذات حکومت اسلامی‌ست. اگر سنگسار نکند، اگر اجزای بدن انسان را با ساطور و شمشیر قطع ننماید، اگر قصاب‌خانه آدم‌کشی اسلامی به راه نیندازد، و بالاخره اگر فجیع‌ترین جنایت و وحشی‌گری‌های ضد بشری را مرتکب نشود، دیگر حکومت اسلامی نخواهد بود. اسلامی بودن حکومت در همین وحشی‌گری‌های ضد بشری‌ست. مردم ایران، هرگز نمی‌توانند ننگ این وحشی‌گری‌های اسلامی را از ایران پاک کنند، مگر آن که بساط حکومت اسلامی را از ایران جاروب نمایند. کشتار زندانیان قزل حصار، نه اولین و نه آخرین وحشی‌گری حکومت اسلامی‌ست. به این وحشی‌گری با سرنگونی جمهوری اسلامی پایان دهید.

هرج و مرجی که نمونه آن را در هیچ کشوری نمی‌توان سراغ گرفت

در این هفته، به فاصله یکی دو روز، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری جمهوری اسلامی انباشته شد از بیانیه‌ها و مصاحبه‌های متعددی که از درگیری‌های جدیدی در درون رژیم خبر می‌داد. ماجرا از این قرار است که احمدی‌نژاد از شاه اردن رسماً دعوت کرده است که در مراسم جشن نوروز، به عنوان مهمان جمهوری اسلامی حضور یابد. البته ناگفته پیداست که این دعوت‌ها معمولاً بهانه است و به هر حال اهداف سیاسی و اقتصادی پشت آن‌ها نهفته است. گویا این دعوت هم در آذر ماه صورت گرفته است و تازه اکنون به جدال و تهدیدهای فراکسیون‌های هیأت حاکمه تبدیل شده است. نخست، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان بیانیه مفصلی انتشار داد. اقدام احمدی‌نژاد را

در مورد دعوت از شاه اردن محکوم نمود و توصیه کرد "که از سفر این دیکتاتور دست نشانده و جنایتکار" جلوگیری شود.

در پی آن بیانیه دیگری به نام "اتحادیه امت واحده" انتشار یافت که در آن آمده بود:

"در صورت حضور ملک عبدالله در ایران، دانشجویان به فتح لانه جاسوسی این کشور اقدام خواهند کرد." سپس نوبت به بیانیه گروهی دیگر به نام "جنبش عدالتخواه دانشجویی" رسید که اعلام می‌کرد، وزیر امور خارجه باید هر چه سریع‌تر این سفر را لغو کند. با مصاحبه احمد توکلی، دیگر روشن شد که فراکسیون‌های رقیب احمدی‌نژاد پشت این قضیه‌اند و فرصتی گیر آورده‌اند که ضربه دیگری به رئیس جمهوری اسلامی وارد آورند. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس گفت که ملک عبدالله اصلاً در سطحی نبود که از او برای سفر به تهران دعوت شود. این اقدام رئیس دفتر مسأله‌دار رئیس جمهوری اقدامی زشت است و از طرفداران رژیم خواست جلوی آن را بگیرند. احمدی‌نژاد که شدیداً از سوی گروه‌های رقیب زیر فشار قرار گرفته تا بگوید غلط کردم و عوت‌نامه را پس بگیرد، عجلتاً سکوت کرده است. اما طرفداران وی از جمله رئیس فراکسیون موسوم به انقلاب اسلامی در پی رفع و رجوع قضیه برآمده تا مسأله را منتفی اعلام کنند. وی گفت این دعوت در شرایطی دیگری صورت گرفته و حالا شرایط تغییر کرده است و این سفر لغو شده است. معاون سیاسی دفتر احمدی‌نژاد اعلام کرد هنوز هیچ چیز درباره این سفر قطعی نیست. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اما در گفتگو با خبرگزاری مهر، در پاسخ به این سؤال که آیا این سفر قطعی‌ست عنوان کرد: به هر حال دعوت از وی صورت گرفته و آخرین خبرها نیز حاکی از تحقق این امر دارد.

واقعاً که چه هرج و مرج و خر تو خری در درون جمهوری اسلامی وجود دارد. یکی می‌گوید، آری انجام می‌گیرد، دیگری می‌گوید لغو شده است. طرف اصلی قضیه هم سکوت کرده است.

احمدی‌نژاد، رسماً شاه اردن را به ایران دعوت می‌کند و حالا رقبای او می‌گویند، رسماً باید این سفر را لغو کنی. گروه‌های حزب‌اللهی هم به نام دانشجوی، که گاه آلت دست این جناح‌اند و گاه آلت دست گروه دیگر، تهدید می‌کنند که اگر این دعوت پس گرفته نشود، سفارتخانه اردن را اشغال می‌کنند. آنچه که به وضوح در این میان به چشم می‌خورد، یک رژیم در حال از هم پاشیدن است. از همین روست که نمی‌توان در سراسر جهان، نظیر آن را در کشورهای دیگر جهان سراغ گرفت. هرج و مرج همواره ذاتی جمهوری اسلامی بوده است و اکنون در دوران فروپاشی آن به اوج خود رسیده است.